

نگاهی به کتاب‌های عاشورایی معاصر-۱

# استناد به روایتی ضعیف در حماسه حسینی



**سعید طاووسی‌مسرور**

عضو هیات‌علمی دانشگاه‌عالمه طباطبائی

بی‌شک یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار عاشورایی دوره معاصر کتاب حماسه حسینی است. کتابی که از استاد شهید مرتضی مطهری است و سخنرانی‌های ایشان از سال‌های ۴۸ تا ۵۶ در برمی‌گیرد. نخستین‌بار بخش‌هایی از این کتاب با عنوان فریادهای شهید مطهری بر تحریفات عاشورا در سال ۶۰ توسط محمدحسین حق‌جو تنظیم و منتشر شد. بنابراین انتشار این کتاب پس از شهادت استاد بوده است. این کتاب ابتدا در یک دوره ۳ جلدی و بعدها در یک دوره ۲ جلدی عرضه شد. هرکدام بارها به چاپ رسیده و در سال ۷۷ هم نخستین‌بار در جلد ۱۷ مجموعه آثار به‌صورت یک جلدی عرضه شد. کتاب حماسه حسینی در ۲ بخش تنظیم شده که بخش اول سخنرانی‌ها و بخش دوم یادداشت‌هاست. هرکدام از این دو بخش فصولی دارد. بخش اول کتاب ۷ فصل دارد و یادداشت‌ها ۸ فصل دارد. علت این است که به ازای هر سخنرانی یادداشت‌هایی وجود دارد، اما در یک فصل هم یادداشت‌های مترفقه استاد درج شده است.

در ۷ فصلی که در بخش سخنرانی‌ها آمده، در فصل اول توضیح چرایی نام کتاب، یعنی حماسه حسینی است. از نظر استاد شهید عاشورا یا حادثه کربلا، دو چهره دارد: یک چهره تراژدی و مصیبت و یک چهره حماسه. آنچه در طول تاریخ مدنظر بوده، تراژدی و مصیبت بوده و از حماسه غفلت شده است. درحالی که بعد تراژدی واقع عاشورا را اشقیای رقم زده‌اند و بعد حماسه بوده که توسط اولیا یعنی امام حسین(ع) و یارانش رقم خورده است. اساسا استاد مطهری غلبه نگاه تراژدی به عاشورا نسبت به نگاه حماسه را یک تحریف می‌داند.

فصل دوم از مهم‌ترین فصل‌های کتاب است که به تحریفات در واقعۀ تاریخی کربلا پرداخته شده است. استاد مطهری در روزگار مایپشگام اصلاح‌عزاداری بوده‌و اساسا اصطلاح تحریفات عاشورا را ایشان ابداع کرده است. در این فصل به معنی تحریف و انواع آن پرداخته شده و از کتاب لولوه و مرجان محدث‌نوری به‌نیکی یاد می‌شود. در کتاب حماسه حسینی بسیار از کتاب لولوه و مرجان ستایش شده‌است. تعبیری که در حماسه حسینی درمورد این کتاب وجود دارد عبارتنداز «فوق‌العاده کتاب خوبی است، «عجب این مرد تبحر به خرج داده» و تعبیرات دیگری که استاد در ستایش کتاب لولوه و مرجان به کار برده‌اند.

کتاب لولوه و مرجان پیشگام اصلاح‌عزاداری بود. بعد از دوره گسترش انحراف و تحریفات در مقال در دوره قاجار، این کتاب، نقدی جدی بر مقاتل قاجاری کرد و این مسیر را برخی علما ادامه دادند که از جمله شاگرد محدث‌نوری یعنی شیخ‌عباس قمی است. مرحوم محدث‌نوری بیشتر با رویکرد سلبی به مباهات می‌پرداخت. اما شیخ‌عباس قمی سعی کرد به‌طور ایجابی مقننی بنویسد که از آن آسیب‌ها خالی باشد و حاصل آن کتاب نفس‌المهموم است. دیگرانی نیز مثل مرحوم سیدمحسن امین در مسیر بوده‌اند. در روزگار ما هم این‌علم‌را استاد شهید مرتضی مطهری برداشت.

استاد مطهری در این کتاب نمونه‌هایی از تحریفات را بیان می‌کند و عوامل تحریف را مواردی مانند اغراض دشمن، تمایل بشر به اسطوره‌سازی و... برمی‌شمارد و برخی آثار را آثار تحریف‌ساز معرفی می‌کند. ایشان به‌طور خاص دست روی روضه الشهدا ملاحسین کاشفی و اسرارالشهداء ملاقا دربندی می‌گذارد. البته در برخی آثار مثل منتخب طریحی و حتی ناسخ‌التواریخ هم به مطالبی ازقبیل عروسی حضرت قاسم(ع) و حضور حضرت لیلاد در کربلا پرداخته شده است. اما آنچه استاد در این فصل بیان می‌کند این است که این موارد تحریفات جزئی است. ما یک‌سری تحریفات معنوی داریم که بسیار خطرناک‌تر از این تحریفات جزئی هستند. مثلا اینکه امام‌برای کفار و گناهان شیعیان کشته شد. یعنی نگاه‌شهادت فدیهای به عاشورا دارند که امام حسین(ع) شهادت خاصی داشته و باید مقام شفاعت خاصی هم داشته باشد و بتواند شیعیان را از آتش جهنم نجات دهد.

یا نگاهی که در نزد برخی فقها به‌خصوص در حوزه نجف بوده این است که عاشورا

تکلیف خاص بوده است.

یعنی امام حسین(ع) تکلیف خاص داشته و کاری که انجام داده، فراقفهی است و قابلیت الگوبرداری ندارد. استاد شهید مطهری این نگاه را هم تحریف بزرگی می‌داند، چون اشکالی که به آن وارد می‌کند این است که این نگاه امام حسین(ع) را از اسوه بودن خارج می‌کند.

سپس استاد مطهری به وظیفه ما در برابر تحریف‌ها می‌پردازد و هم‌خواص و هم‌عوام را در برابر این تحریفات مسئول می‌داند. تاکید استاد بر اصلاح عزاداری‌ها در مواضع مختلفی از کتاب، دیده می‌شود و تاکیداتی که استاد شهید در مقوله اصلاح عزاداری و پریمز از تحریفات داشته در میان علمای انقلابی اثرگذار بوده و یکی

از کسانی که راه استاد مطهری را در این روزگار

و سال‌ها به‌خصوص پس از انقلاب اسلامی به‌طور جدی ادامه داده، رهبر معظم انقلاب است که بارها در سخنرانی‌های خودبه این امر پرداخته‌اند. مثلا ایشان در ۱۷ خرداد ۷۳ به لزوم پریمز از بیان مطالب سست و شبهه‌افکن در مجالس حسینی تاکید می‌کنند. ایشان همچنین تاکید دارند خواندن متن مقتل، جایگزین مجلس آرای غلط شود. ایشان در سوم خرداد ۷۴ هم به مقابله با تحریف اشاره دارند و توصیه به واقع‌خوانی و روضه‌خوانی سنتی می‌کنند.

استاد مطهری در فصل سوم کتاب حماسه حسینی به ماهیت قیام حسینی توجه دارد و انتقادهایی را به کتاب شهید جاوید، اثر صالحی نجف‌آبادی مطرح می‌کند و در فصل چهارم به تحلیل واقعۀ عاشورا می‌پردازد. ایشان در فصل پنجم هم شعارهای عاشورا را مورد بررسی قرار می‌دهند.

بعد از فصول اول و دوم کتاب که به اهمیت آنها اشاره کردیم، یکی از مهم‌ترین فصول کتاب فصل ششم است که استاد مطهری به‌عنوان امر به‌معروف و نهی ازمنکر در نهضت حسینی پرداخته و ۳ عامل را برای قیام امام حسین مطرح می‌کند. ایشان عامل دعوت مردم کوفه، عامل رد بیعت و بیعت نکردن و سپس عامل امر به‌معروف و نهی ازمنکر را مطرح می‌کنند. در دیدگاه استاد مطهری اینکه ما فکر کنیم اگر مردم کوفه، امام را دعوت نمی‌کردند، امام هم قیام نمی‌کرد، مردود است و می‌گویند امام وظیفه امر به‌معروف و نهی ازمنکر داشته و در هرحال براساس این وظیفه، قیام می‌کرده است. استاد مطهری در این کتاب بحث‌های مفصلی درمورد خود امر به‌معروف و نهی ازمنکر دارد، مراحل و اقسام آن و شرایط آن و جایگاه آن در دین اسلام را بیان می‌کند و نقدی هم به کارنامه ما در مساله امر به‌معروف و نهی ازمنکر می‌کند و سپس به امر به‌معروف و نهی ازمنکر در حادثه کربلا می‌پردازد.

نقدی که می‌شود به این فصل داشت این است که وصیتی که از امام حسین(ع) خطاب به محمد حنفیه نقل شده که «من برای اصلاح امت جدم و امر به‌معروف و نهی ازمنکر قیام کرده‌ام، فقط توسط این اعم کوفی در الفتوح نقل شده و این روایت از نظر سندی ضعیف است چون در منابع دیگر نیامده و این اعم آن را بدون سند آورده است.

اشکالات دیگری هم به این روایت از جانب برخی محققان ازجمله استاد محمد اسفندیاری وارد شده که ایشان در کتاب حقیقت عاشورا، به این بحث پرداخته و این روایت را نقد می‌کند و مورد اشکال جدی قرار می‌دهد.

برخی هم این احتمال را مطرح کرده‌اند که تنظیم یک وصیت از نسوی امام به محمد حنفیه کار کسانیه بوده که بخوانند امامت محمد حنفیه را از آن نتیجه‌گیرند. به‌هرحال نویسندگان و فعالان عاشورایی معاصر به این روایت زیاد استناد می‌کنند ازجمله خود استاد مطهری یا حتی رهبر انقلاب در ۱۹ خرداد ۷۴ یا ۶۸ مرداد ۶۸ یا حتی محققانی که جدیدتر در این عرصه فعالیت می‌کنند مانند اسناد سروش محلاتی، اما این روایت از حیث تاریخی قابل استناد نیست.

از نظر محتوایی هم بحث دیگری که درمورد این بخش از کتاب استاد مطهری وجود دارد این است که عامل دعوت مردم کوفه بیش از حد تنزل داده شده و به آن کم‌توجهی شده که گویی کآن لم یکن است و در قیام امام بی تأثیر بوده است. درحالی که شهید صدر در کتاب «ائمه اهل‌البیت و دوره‌هم فی تحصین الرساله‌الایسلامیه» به این نظر است که اصلا قیام بر امام به‌خاطر دعوت مردم کوفه واجب‌شده و علت این بود که مردم کوفه صرفا یک دعوت انجام ندادند بلکه دست به اقدام عملی زدند و نمازهای جمعه و جماعت حاکم کوفه را تحریم کردند. لذا امام چون پیشواست و باید جلوتر از بقیه باشد بر او واجب و لازم می‌آید که خواسته پیروانش را اجابت کند. لذا از نظر شهید صدر امام رد فعل کرد و نه فعل، یعنی واکنش داشت نه کنش. از خود امام هم نقل شده که با اشاره به نامه‌های کوفیان می‌فرماید: «هذه کنیهم و رسلمه و قدوجب علی المسیر لقتال اعداء الله» یعنی این مسیر برای جنگ با دشمنان خدا بر من واجب شد.

مساله دیگر که از جانب برخی محققان مطرح شده این است که اگر بگوییم تنها هدف یا هدف اصلی امام امر به‌معروف و نهی ازمنکر بوده، آن وقت سوال پیش می‌آید که امام تا چه

# اندیشه

میزان موفق به امر به‌معروف و نهی ازمنکر شد؟ چون اساسا شرایطی محقق نشد که ایشان به کوفه برود و اصلاح جدی انجام دهد و آن سپاهی که در برابر امام بودند، گوش شنوایی برای امر به‌معروف و نهی ازمنکر نداشتند. در پاسخ به این پرسش یک نگاه این است که هرگونه احیای حق، امر به‌معروف و هرگونه اماتۀ باطل، نهی ازمنکر است درحالی که از نظر مفهوم فقهی برخی این را خارج از مفهوم امر به‌معروف و نهی ازمنکر می‌دانند و می‌گویند این می‌تواند تحت مفاهیم وعظ، و ارشاد و نصیحت صورت بگیرد و لزوما امر به‌معروف و نهی ازمنکر نخواهد بود. بنابراین این بحث هم درمورد این دیدگاه استاد مطهری وجود دارد.

استاد شهید در فصل آخر کتاب‌شان به عنصر تبلیغ در نهضت حسینی پرداخته است. ایشان تاکید دارد کلمه تبلیغ کلمه مظلومی بین ماست و مثلا ذهنیت ما از تبلیغ، پیام‌های بازرگانی و غلو و اغراق در ویژگی‌های کالاهاست که چنان با آن برخورد می‌کنیم که اینها تبلیغات به معنی دروغ است. درصورتی که تبلیغ از مهم‌ترین مفاهیم دینی است و استاد مطهری از ایسن مفهوم دفاع می‌کند و از تحریف این مفهوم و جایگاه عنصر تبلیغ در قیام عاشورا و تفاوت آن با امر به‌معروف و نهی ازمنکر سخن می‌گویند که این را در فصل هفتم کتاب توضیح داده‌اند.

کتاب حماسه حسینی کتاب تأثیرگذاری بوده، همان‌طور که اشاره کردیم مثلا حتی رهبر انقلاب از این کتاب تأثیر گرفته‌و حتی در جایی ایشان در پایان جلسه درس خارج فقه در آستانه محرم ۱۳۸۰ شمسی از عاشورا به‌عنوان بزرگ‌ترین حماسه تاریخ اسلام بلکه بزرگ‌ترین حماسه تاریخ یاد می‌کنند. لذا این تعبیری که استاد مطهری به کار برده‌اند-یعنی بحث حماسه حسینی- توسط افراد متعددی بعدها استفاده شد. مثلا کتابی از مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی و سیدمحمد شفیعی‌مازندرانی با‌عنوان عاشورا حماسه جاوید، یا شعری که استاد شهریار با عنوان حماسه حسینی دارند یا مطلبی از استاد مصطفی دلشادتهرانی با عنوان حماسه حسینی و ظهور حقیقت آدمی، این تأثیر را مشخص می‌کند.

از دیگر تأثیرات کتاب حماسه حسینی می‌توانیم به ترجمه آن برای مخاطبان عرب‌زبان، با عنوان الملحمه الحسینیه و به ترجمه آن به زبان ترکی استانبولی اشاره کنیم که نشان‌دهنده اهمیت کتاب است.

از دیگر تأثیرات این کتاب مخالفت‌ها و نقدهایی بوده که با این کتاب شده است. در فضای عوام مثلا دیده می‌شود برخی مداحان وواعظان، با این کتاب به‌خصوص درمورد بخش تحریف‌شناسی استاد مطهری، مخالفت می‌کنند. گاه تعبیر تند و ناشایستی هم درمورد استاد شهید به کار می‌برند. از آقای علی مطهری نقلی هست که ایشان گفته‌اند پدر من را به‌خاطر همین مطالب تهدید کردند و گفته‌ند به‌خاطر همین حرف‌ها یک روز تو را می‌کشدیم. در فضای خواص و فضای علمی هم این کتاب نقدهایی را دیده و داشته، ازجمله نقد مرحوم آیت‌الله صالحی نجف‌آبادی که ایشان هم خود از جریان تحریف‌ستیز طبقه‌بندی می‌شود اما زاویه‌ها و اشکالاتی به نگاه استاد شهید مطهری داشته و چون کتاب حماسه حسینی، کتاب شهید جاوید را از نقد بی‌نصیب نگذاشته، ایشان هم نقدی را بر این کتاب وارد کردند که مستقل به‌صورت کتاب چاپ شده است. نقد دیگری هم از مرحوم سیدجعفر مرتضی‌عاملی داریم با عنوان کربلا فوق شبهات، که می‌توان گفت نقد نسبتا تندی محسوب می‌شود. ایشان سعی کرده به بخش تحریفات کتاب حماسه حسینی پاسخ بدهد و بگوید این مطالبی که استاد مطهری به‌عنوان تحریفات مصداقی عاشورا ذکر کرده و برخی روایات را ضعیف شمرده، نمی‌توان لزوما اسم اینها را تحریف گذاشت چون در برخی منابع، این‌اخبار و گزارش‌ها آمده، اگرچه آن منابع متاخر باشند یا اعتبار آنها محل بحث باشد. اما نکته عجیبی که مرحوم علامه جعفر مرتضی‌عاملی ذکر می‌کند، این است که اساسا ایشان در ابتدای کتاب نسبت کتاب حماسه حسینی به شهید مطهری را رد می‌کند و می‌گوید از چنین عالمی بعید است چنین کتابی و مطالبی بیان شود و اینها را به ایشان نسبت داده‌اند. این حرف عجیبی است چون بالاخره این مطالب بعد از شهادت استاد منتشر شده؛ اما به نحوی نیست که فاقد هرگونه مستندات باشد.

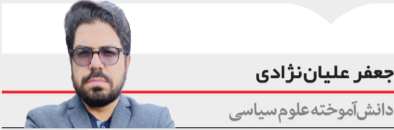
البته گاه اشکالاتی را می‌توان متوجه کتاب کرد، اما شاید بحث‌هایی که ایشان روی منبر گفته، نظر قطعی ایشان بوده یا در یادداشت‌ها- یادداشت‌ها- یک مساله شخصی است و فرد برای خود مطالبی را یادداشت کرده است- وقتی اینها انتشار عمومی پیدا کرده، مخاطب هرگونه مطلبی که در یادداشت‌ها آمده به استاد نسبت می‌دهد، درحالی که استاد صرفا یک یادداشت‌بردار بوده و معلوم نیست تمام آنچه در یادداشت‌ها آمده، مورد قبول ایشان بوده باشد.

به‌هرحال کتاب حماسه حسینی متنی نیست که بخوایم آن را نادیده بگیریم و امیدوارم عزاداران سیدالشهدا ساعاتی را هم با مطالعه این کتاب ارزشمند سپری کنند و در فضای مباحث و تحلیل‌های عاشورایی‌بی‌ش از پیش‌قرار نگیرند.



چکیده اندیشه عاشورایی رهبر انقلاب -۱

# سیاست حسینی



**جعفر علیان‌نژادی**

دانش‌آموخته علوم سیاسی

قبل از تجربه حکومت اسلامی دیرزمانی بود هم‌وغم عالمان دینی و شیعی، حفظ جوهر فلسفه امامت در زمانه انقطاع وحی نبی(ص) و غیبت معصوم(ع) بود. «تبیین مکتب به‌منظور تطبیق آن با نیازهای زمان» و «رهبری سیاسی جامعه» همان جوهری بود که علمای راستین مذهب متکفل حفظ آن بودند. زمینه‌ای لازم بود تا انقلابی دیگر علیه اسلام دستخوش انحراف و ارتجاع حادث شود. عصر حاضر زمینه لازم برای چنین پدیده‌ای را فراهم آورد. این زمینه که با جلوه انحراف از دین، به آشکارترین شکل ممکن ایجاد شده بود، با دو اتفاق کم‌ظنیر همراه شد. اول؛ رشد شناخت اندیشه امامت بین مردم و برانگیختگی آنان، دوم؛ ظهور نوری از انوار سلاله اهل‌بیت که همه توجهات را به خود جلب کرد. شاید برای نخستین‌بار بود که زمینه و زمانه اینچنین منتظر آن اتفاق بی‌سابقه بود.

به بیان دیگر، شاید در هیچ دورانی مانند دوران معاصر زمینه به «نتیجه» رسیدن اندیشه امامت فراهم نشده بود. قیام حسینی(ع) البته به‌ما یاد داده بود هدف، سوای نتیجه است و این زمینه قیام است که تحقق یا نتیجه هدف را معنادار می‌کند. سال ۶۱ هجری، انقلاب اسلامی با شهادت امام حسین(ع) و اصحاب و یاران باوفایش ممکن شد. سال ۵۷، انقلاب اسلامی با حکومت دینی امکان وجودی یافت. نهضت عاشورا دو جلوه پیرومندانۀ داشت؛ یکی شهادت، یکی حکومت. ادعای نگارنده در این سلسله‌یادداشت‌ها، آن است که اگر حکومت اسلامی نتیجه دیگر قیام عاشورایی است، تنها درصورتی تألیف و دستخوش انحراف و ارتجاع نمی‌شود که انقلابی بماند. در این یادداشت‌ها می‌خواهیم نشان دهیم ضامن تداوم انقلاب اسلامی، «سیاست حسینی(ع)» است. سیاست حسینی، سیاست انقلابی ماندن، حکومت دینی است. به بیان دیگر سیاست حسینی، سیاست دوره استقرار حکومت دینی است. در یادداشت اول، ابتدا به تعریف سیاست حسینی پرداخته و برای روشن‌تر شدن معنای آن، نقدهایی را که از موضع تحلیل واقعۀ عاشورا متوجه عملکرد جمهوری اسلامی شده است، بررسی می‌کنیم. این یادداشت‌ها مبتنی بر درک و دریافت نویسنده از سه کتاب «هم‌زمان حسین(ع)»، «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» و «انسان ۲۵۰ساله» مقام‌معظم‌رهبری است.

### سیاست حسینی چیست؟

سیاست حسینی، سیاستی است مبتنی بر هدایت و مجاهدت، به‌منظور ایجاد جامعه اسلامی(ولایی) از طریق تبدیل ایمان مومنین به عمل صالح. از این نظر آنچه بیشتر اهمیت می‌یابد درس‌های عاشورا و به بیان بهتر عبرت‌های عاشوراست. درس‌ها و عبرت‌هایی که در طول تاریخ جمهوری اسلامی بارها به‌مدد انقلاب اسلامی آمده و نه‌تنها جلوی لغزش یا انحراف آن را گرفته، که موجب‌تعالی و رشد میدان آن را فراهم آورده است. قیام حسینی انرژی پایان‌ناپذیری برای تداوم انقلاب اسلامی تولید کرده که با سیاست‌ورزی حسینی تبدیل به سوخت حرکت می‌شود. با بررسی اجزای این تعریف، استحکام منطق مقابله و واسازی شبهات پیرامون عاشورا علیه جمهوری اسلامی نمایان می‌شود.

**اول؛** سیاست حسینی از جنس هدایت است. در دانش سیاسی مدرن، دو جنس سیاست اصلی قابل شناسایی است. اجناسی که منجر به نظرورزی و سپس پیاده‌سازی شده‌اند. اول، عده‌ای از متفکران علم سیاست، سیاست را از جنس تصمیم و متعلقات آن دانسته‌اند. متعلقاتی نظیر قضاوت و مدیریت. از نظر این جمع، سیاست به معنای تصمیم‌گیری است. تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی و سخت یا طبیعی و راحت. در این نحوه سیاست‌ورزی، هر تصمیمی می‌تواند به صلاح و فلاح یا فساد و تباهی بینجامد. در این نحوه سیاست‌ورزی آنچه اهمیت می‌یابد، خود تصمیم‌گیر است که در رژیم‌های تمامیت‌خواه یا دیکتاتوری نمونه آن را می‌توان یافت. دوم، عده‌ای دیگر از متفکران دانش سیاسی، سیاست را از جنس روابط می‌دانند. این عده معتقدند سیاست زاده روابط اجتماعی مابین افراد است و باید حافظ این روابط باشد. به نوعی از برآیند روابط مابین افراد، سیاست زاده می‌شود. شاید تعبیر تصمیم‌سازی از پایین، تعبیر مناسبی برای این نحوه سیاست‌ورزی باشد. رژیم‌های مدعی مردم‌سالاری یا لیبرال مدعی این نوع سیاست‌ورزی هستند. در این سیاست‌ورزی آنچه اهمیت می‌یابد خرد اجتماعی است. درمقابل این دو جنس سیاست، جنس دیگری نیز واقعیت دارد که موردتوجه نظریه‌پردازان علم سیاست قرار نگرفته

است. آن جنس دیگر، جنس هدایت است. سیاست

مبتنی بر هدایت نه به معنای تصمیم‌گیری شخصی صرف است و نه به معنای تصمیم‌سازی اجتماعی صرف. عنصری دیگر در این نوع تصمیم‌گیری دخالت دارد که ضامن فلاح و صلاح ملک و مملکت است. آن عنصر، عنصر دین است. یعنی هدایت مبتنی بر دین. البته هدایت مبتنی بر دین نیز به معنای هر هدایتی که مبتنی بر دین است نیز نیست بلکه این هدایت ذاتی اندیشه امامت است. یعنی کسانی که تبیینگر دین پیامبرانند، عنان هدایت و رهبری جامعه اسلامی را در دست می‌گیرند. این هدایت به هیچ‌عنوان به معنای مخالفت با آزادی‌های فردی نیست بلکه به معنای ایجاد و تداوم آگاهی‌های ایمانی در مردم است و از سنت‌های الهی تغذیه می‌کند. طیف زیادی از انتقادات و شبهات واردشده به‌دلیل عدم درک تفاوت جنس سیاست مبتنی بر هدایت با سیاست مبتنی برتصمیم یا روابط است. در یادداشت‌های بعدی چند مصداق از شبهات اینچینی را واسازی می‌کنیم.

**دوم؛** جهت سیاست حسینی مجاهدانه است. قید مهم دیگری که مولفه هدایت به‌عنوان جزئی از سیاست حسینی می‌خورد، عنصر مجاهدت است. هدایت رهبر یا امام هدایتی قعودی و در حالت ایستا نیست. این هدایت به معنای توصیه صرف کلامی به انجام واجبات یا ترک محرمات نیست. این هدایت تنها به معنای آموزش احکام شرعی و اخلاقیات دینی نیست. این هدایت یک جهت مهم دارد. جهتی که زندگی ائمه(ع) مالامال از آن بود، و در قیام حسینی(ع) در عالی‌ترین وجه خود به‌منصه ظهور رسید. این جهاد به‌طور مطلق به معنای درگیری و مبارزه با قدرت‌های ارتجاعی ضدتعالی و تکامل انسانی است. قدرت‌هایی که ضداسلام و ضدقرآن هستند. بنابراین این هدایت به معنای مبارزه دائمی با دشمنان دین و قرآن در تمام عرصه‌هاست. در این جهاد سعی و کوشش در راه خدا با قید مبارزه علیه خصم معنا پیدا می‌کند. بنابراین سیاست حسینی، هدایتی مجاهدانه است. استقرارش در مانع‌زدایی و دشمن‌شکنی است. این قرآن، عنصر مجاهدت است. نقدها و حملات که قیام حسینی را به مفهوم مقاومت اصلاح‌طلبانه تنزل داده‌اند، بی‌معنا می‌شود. به برخی از این مصادیق در یادداشت‌های بعدی خواهیم پرداخت.

**سوم؛** سیاست حسینی لازمه جامعه اسلامی است. هدایت مجاهدانه، معطوف به ایجاد همبستگی، هم‌تفکگی و تقویم روابط مومنان است. یعنی در وهله اول بین مومنان نسبت به یکدیگر ولایت ایجاد می‌کند. ولایت در لسان قرآن به معنای نزدیکی بسیار زیاد دو چیز است. نوعی نزدیکی که امکان خلل در آن یا وجود ندارد یا بسیار بعید است. در وهله دوم این ولایت مومنان بر یکدیگر مانع ولایت مومنان با غیر خود می‌شود. یعنی امکان برقراری ولایت غیرمسلمین بر مسلمین به‌طور مطلق نفی می‌شود. در وهله سوم، نیاز به‌دلیل یا همبستگی مومنان حول یک محور یا همدستی در یک نقطه وجود دارد. درغیر این‌صورت، ولایت مومنان ناپایدار است و امکان ولایت غیر وجود دارد. آن نقطه و محور ولی است. سیاست حسینی، دستمایه ولی برای تداوم ولایت مومنان و جلوگیری از ولایت غیرمومنان است. بنابراین سیاست حسینی، لازمه ایجاد یک جامعه اسلامی استکبارستیز است. بخش دیگری از شبهات و حملات با این مبنا قابل نقد و اعتبارزدایی است. مجموعه نقدهایی که احیای شاعران یا مناسک را به معنای فرگی مناسکی یا اصالت فرم بر محتوا دانسته است، از این نظر قابل ارزیابی است.

**چهارم؛** جمهوری اسلامی تجربه پیاده‌سازی سیاست حسینی است. جمهوری اسلامی نمونه کارآمد و پیاده‌سازی موفق سیاست حسینی در تبدیل ایمان مومنان به عمل صالح است. بازخوانی کمک‌های نهضت عاشورا با هدایت مجاهدانه امام خمینی(ره) و مقام‌معظم‌رهبری در طول تجربه چهل و چندساله انقلاب اسلامی گویای این موفقیت است. با این نگاه مصداق پرشماری از عزت‌یابی انقلاب اسلامی وجود دارد که در زبان و بیان امامین انقلاب اسلامی جاری شده است. جاهایی که آن انرژی عظیم و درس‌های آن جریان بزرگ، به‌مدد سیاست‌ورزی حسینی امام(ره) و رهبر انقلاب آمده است.

**جمع‌بندی:** نگارنده قصد دارد برای سنجش قوت و قدرت چنین برداشت معرفتی از اندیشه عاشورایی مقام‌معظم‌رهبری، در یادداشت‌های بعدی مجموعه نقدها و سوالاتی که از زاویه عاشورایی متوجه عملکرد جمهوری اسلامی شده است، مورد بررسی قرار دهد. خوانش سریع مجموعه سوالات نشان می‌دهد این نقدها در سه ساحت کلی هدف، فرم و روش قابل دسته‌بندی است.

